

بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان با استفاده از مؤلفه‌های تربیت اقتصادی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

■ علی ستاری**

■ طیبه ماهرزاده**

■ سیده فاطمه شفیعی بهنمیری*

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان با استفاده از مؤلفه‌های تربیت اقتصادی سند تحول آموزش و پرورش است. پژوهش از نوع آمیخته (کمی و کیفی) بوده و با روش نیمه‌آزمایشی و بهره‌گیری از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون اجرا شده است. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان‌های شهر «بهنمیر» بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۶۰ نفر در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. در این پژوهش، به دلیل نبود پرسش‌نامه استاندارد، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد و روایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰۸/ به دست آمد. آموزش طی ۱۰ جلسه ۷۰ دقیقه‌ای با استفاده از داستان‌های کهن فارسی انجام گرفت و نتایج آن با پیش‌آزمون مقایسه شد. در بخش کیفی، از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده و با ۲۰ نفر از گروه آزمایش مصاحبه شد. داده‌های کمی پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در بخش کمی، پس از نمره‌گذاری دانش‌آموزان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون F برای دو گروه مستقل و تحلیل کوواریانس) داده‌های گردآوری شده تجزیه و تحلیل شدند. در بخش دوم، برای تفسیر یافته‌های حاصل از مصاحبه، از «روش تحلیل محتوای کیفی میرینگ (به شیوه مقوله‌بندی قیاسی)» استفاده شد. نتایج در دو بخش کمی و کیفی نشان دادند استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان در رشد مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی تأثیر مثبت دارد و این برنامه باعث افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان شده است.

کلیدواژه‌ها:

برنامه فلسفه برای کودکان، تربیت اقتصادی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مهارت‌های شناختی

■ تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۳ ■ تاریخ شروع بررسی: ۹۸/۴/۱۲ ■ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۵

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول) seyedfatemeh.shafiee@yahoo.com
** دانشجویار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهرا mahrouzadeh@alzahra.ac.ir
*** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه الزهرا alisattari@alzahra.ac.ir

■ مقدمه

تربیت فرایندی است که به واسطه آن می‌توان به نیازهای مختلف انسان پاسخ گفت. یکی از نیازهای اولیه انسان، تأمین معاش است. تحقق این امر مستلزم تربیت اقتصادی است. از سوی دیگر، اعتلای کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی می‌شود که از طریق سرمایه‌گذاری برای تأمین نیروی انسانی کارآمد میسر است.

منظور از «تربیت اقتصادی»^۱، تربیت افرادی است که با تقویت دانش اقتصادی خود بتوانند به‌عنوان مصرف‌کننده، پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار، نیروی کار، شهروند و مشارکت‌کننده در عرصه اقتصاد جهانی، آگاهانه و مسئولانه دست به انتخاب بزنند (طغیانی، ۱۳۹۱).

تاکنون پژوهشگران در زمینه‌های متفاوت تربیت کودکان و نوجوانان چون تربیت اخلاقی، دینی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی، تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند، اما در زمینه تربیت اقتصادی کودکان و نوجوانان گام مؤثری برداشته نشده است (جدیری، ۱۳۷۹). توجه به اهمیت تربیت اقتصادی طی دهه‌های گذشته، همواره مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای پیشرفته بوده است.

یکی از وظایف نظام‌های آموزشی، تربیت نیروی انسانی به‌عنوان محور توسعه پایدار است. از این رو فراهم آوردن بستر مناسب تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزاری مهم برای ارتقای سرمایه انسانی در ساحت‌های متفاوت تربیتی است، سند «مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» در صدد تحقق چنین آرمانی است. در این سند تربیت در شش ساحت تعریف شده است که عبارت‌اند از: اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ زیستی و بدنی؛ اجتماعی و سیاسی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ علمی و فناوری و هنری و زیبایی‌شناختی.

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای شامل حدود و قلمرو، رویکرد و اصول است که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

○ **حدود و قلمرو:** ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی است. این ساحت ناظر بر رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است که عبارت‌اند از: درک و فهم مسائل اقتصادی و مهارت‌های حرفه‌ای؛ التزام به اخلاق حرفه‌ای؛ توان کارآفرینی؛ پرهیز از بطالت و بی‌کاری؛ رعایت بهره‌وری؛ تلاش برای توسعه ثروت؛ اهتمام به بسط عدالت اقتصادی؛ مراعات قوانین کسب‌وکار؛ احکام معاملات و نیز التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

○ **رویکرد:** مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی است که برخی مشخصه‌های آن عبارت‌اند از: توسعه متوازن ابعاد وجودی فرد؛ درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه‌ای، مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد و پرهیز از اسراف؛ پرورش شایستگی‌های متریبان برای یادگیری مادام‌العمر؛ توجه به نیازهای فردی و اجتماعی و تحول مشاغل متناسب با آن‌ها.

○ **اصول:** اصول حاکم بر سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیری در ساختار از طریق هماهنگی ساختار نظام تربیت رسمی عمومی با ساختار اقتصادی کشور و نیز انعطاف‌پذیری در برنامه درسی؛ تأکید بر تربیت مستمر (آموزش مادام‌العمر) و خودآموزی دانش‌آموزان؛ آموزش مهارت کارآفرینی؛ توجه به تفاوت‌های فردی، علاقه‌ها و استعدادها؛ متریبان در تولید برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس؛ کسب شایستگی‌های عام به‌عنوان پیش‌نیاز رشد حرفه‌ای و اقتصادی؛ تأکید بر کسب شایستگی‌های اخلاقی؛ کسب مهارت حل مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی، استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

● هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای شامل این مواردند: تدبیر امر معاش؛ درک مسائل اقتصادی در زمینه تولید ملی؛ توزیع و مصرف کالا و خدمات؛ مراعات قوانین و احکام معاملات و التزام به ارزش‌های اخلاقی، کسب شایستگی‌های حرفه‌ای و انتخاب آگاهانه شغل متناسب با توانایی‌ها و علاقه‌های فردی؛ تلاش برای تحقق رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و توسعه ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و ... (همان).

یکی از راه‌های مؤثر برای تحقق هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی، شناخت و درک مفاهیم اقتصادی و نهادینه کردن این مفاهیم در کودکان از طریق بحث و گفت‌وگو درباره آن‌ها با استفاده از داستان به‌عنوان جزئی از برنامه فلسفه برای کودکان است. این برنامه نخستین بار با عنوان «برنامه فلسفه برای کودکان^۲» به وسیله متیولیمین^۳ و دستیاران وی در دانشگاه «مونکتلیور^۴» آمریکا تدوین شد. در حال حاضر نیز از سوی «مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان^۵» در آمریکا و نیز چند کشور جهان در حال اجراست. این برنامه درسی که بررسی‌های اولیه آن از سال ۱۹۶۹ شروع شد، اکنون به‌صورت یک برنامه درسی کامل در تمامی سطوح آموزشی قابل اجراست (قائدی، ۱۳۸۵).

برنامه فلسفه برای کودکان در صدد است تا شاگردان با استفاده از شیوه تفکر فلسفی، ذهنی فلسفی پیدا کنند و بتوانند با نگاهی جامع، کل‌نگر، مستدل و منطقی، به تجزیه و تحلیل امور و حل مسائل روزمره بپردازند (ماهورزاده، ۱۳۹۱).

شالوده مهارت‌های فکری باید از سال‌های نخستین کودکی پایه‌گذاری شود. این در حالی است که نظام‌های آموزشی در دوره ابتدائی بیشترین تلاش خود را به آموزش خواندن، نوشتن و حساب کردن معطوف داشته‌اند. بنابراین لازم است، علاوه بر آموزش‌های فوق، از طریق فعالیت‌های فراشناختی، توانایی یادگیری و تفکر را در کودکان افزایش داد. برای نیل به این مقصود باید آموزش را نوعی تحقیق به حساب آورد. در نظر لیپمن، داستان وسیله‌ای طبیعی برای پرورش تفکر، دانش و مهارت‌های زبانی است. لیپمن برنامه فلسفه برای کودکان را تحت تأثیر آرای سقراط، جان دیوئی و پیرس طراحی کرده است. وی کوشید فلسفه را آن‌طور که سقراط در نظر داشت، معرفی کند. فلسفه در این معنا روشی برای پرورش قوه تفکر و درست اندیشیدن است.

در اینجا باید یادآور شد، مقصود لیپمن از «آموزش فلسفه به کودکان»، مطالعه آرا و اندیشه‌های فلسفی نیست بلکه رسیدن به نوعی فلسفه کاربردی است و به بیان دیگر شیوه‌ای برای اندیشیدن است که به کمک داستان - برای آغاز بحث و گفت‌وگو - صورت می‌گیرد. در این برنامه هدف داشتن تفکر فیلسوفانه و پرداختن به فعالیت‌های فلسفی است، به طوری که تفکر کودک از سطحی‌نگری به ژرف‌اندیشی و از تفکر معمولی به تفکر نقاد و اندیشه‌ورز هدایت شود.

در ایران به منظور اجرای برنامه فلسفه برای کودکان از داستان‌های ترجمه شده مانند داستان‌های فیلیپ کم استفاده می‌شد. گرچه آن داستان‌ها دارای نکات و پیام تربیتی بودند، اما با فرهنگ ایرانی هماهنگ نبودند. تقریباً یک دهه است که با عنایت به وجود گنجینه‌های عظیم در ادبیات فارسی، پژوهش‌هایی در زمینه استفاده از داستان‌ها و شعرهای ایرانی - مانند داستان‌های «گلستان» سعدی و یا شعرهای «مثنوی» مولوی - در برنامه فلسفه برای کودکان صورت گرفته است. این پژوهش در صدد است تا تأثیر داستان‌هایی را که حاوی مضامین اقتصادی هستند، بر پرورش مؤلفه‌های اقتصادی موجود در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان، بررسی کند.

محتوای مورد استفاده در برنامه فلسفه برای کودکان داستان‌هایی از کتاب‌های «مثنوی معنوی»، «بوستان» سعدی، «جامع الحکایات» و مجموعه ادبیات کهن ایران زمین بوده است. بدین ترتیب که از کتاب مثنوی معنوی، حکایت «پارچه فروش با تجربه» برای مؤلفه اشتغال و بی‌کاری، حکایت «کاهل و گاو» برای مؤلفه کسب درآمد مشروع، حکایت «بخشنده‌ای در بخارا» برای مؤلفه کمک به دیگران (بخشش) بهره گرفته شد (ابراهیمی، ۱۳۹۳). از بوستان سعدی، حکایت «گره» برای مؤلفه قناعت و مصرف بهینه به کار گرفته شد. از جامع الحکایات، حکایت «پسر و ارثیه پدر» برای مؤلفه

پرهیز از اسراف انتخاب شد. از مجموعه ادبیات کهن ایران زمین نیز حکایت «رفتگر» برای مؤلفه ارزش و اهمیت کار، حکایت «آش سنگی» برای مؤلفه تعاون و همکاری استفاده شد. در فرایند یاددهی-یادگیری، با توجه به هدف و محتوای آموزش، می‌توان از روش‌های متفاوتی به‌ویژه روش‌های جدید و خلاقانه بهره جست. برنامه فلسفه برای کودکان از آن جمله است. این برنامه که برای همه سطوح آموزشی قابل اجراست، از روش اجتماع پژوهشی، یعنی اندیشه‌ورزی به صورت جمعی و ایجاد حلقه کدوکاو در محیطی امن، با بهره‌گیری از هنر پرسش‌گری و نیز طرح مسئله، گفت‌وشنود و تبادل ایده‌ها صورت می‌پذیرد.

درباره پیشینه پژوهش، تحقیقات میدانی و نظری متعددی در زمینه برنامه فلسفه برای کودکان انجام شده است. بررسی مطالعات نشان می‌دهد، برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند قوه تفکر و مهارت‌های فکری و حل مسئله کودکان را پرورش دهد و آنان را در حل مسائل و مشکلات متعدد پیرامون خود مدد رساند (ر.ک: جاویدی کلاته، ۱۳۸۲؛ ناجی و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۶؛ جهانی، ۱۳۸۶؛ رمضان‌پور، ۱۳۸۷، هدایتی، ۱۳۸۸؛ ماهروزاده، ۱۳۹۱؛ خدابنده امیری، ۱۳۹۲؛ نیازی، ۱۳۹۳ و هدایتی و ماهزاده، ۱۳۹۵). پژوهش‌های خارجی انجام‌شده در این زمینه نیز حاکی از آن است که برنامه فلسفه برای کودکان در پرورش مهارت‌های فکری و تربیت اخلاقی تأثیری بسزا داشته است (ر.ک: پری، ۱۹۸۱؛ تریکی و تاپینگ، ۲۰۰۴؛ دانیل، ۲۰۱۲؛ برک و ویلیامز، ۲۰۱۰).

در خصوص لزوم توجه و تأکید بر تربیت اقتصادی و اهمیت آن و نیز شیوه‌های دستیابی به هدف‌های تربیت اقتصادی، پژوهش‌های میدانی و نظری انجام شده‌اند (ر.ک: رحیمی، ۱۳۷۴؛ طهماسبی، ۱۳۷۹؛ جدیری، ۱۳۷۹؛ حیدری، ۱۳۸۰، حدادیان، ۱۳۸۱؛ پوریاتی، ۱۳۹۰ و طغیانی، ۱۳۹۱). در زمینه تربیت اقتصادی، ضرورت آموزش اقتصاد و موضوع‌های مرتبط با آن و نیز مفاهیم تخصصی اقتصادی مانند تولید، هزینه، انگیزه‌های اقتصادی، تخصص، تقسیم کار، بازار و نظام قیمت‌ها، و عرضه و تقاضا پژوهش‌هایی به صورت تخصصی یا میان‌رشته‌ای انجام گرفته‌اند (ر.ک: استیگلر، ۲۰۱۴؛ کرت، ۱۹۸۴؛ ناپی و رنا، ۱۹۸۷ و الیس، ۱۹۶۱).

بررسی اجمالی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، هدف از تربیت اقتصادی فهم صحیح دانش اقتصادی است؛ به نحوی که افراد بتوانند مسائل اقتصادی شخصی و نیز مسائل پیچیده‌تر اقتصادی را درک کنند. در ایران، دانش‌آموختگان نظام آموزشی عمدتاً دارای اطلاعات کافی درباره مفاهیم اولیه اقتصادی، چون درآمد، هزینه، تولید و مصرف نیستند. به همین سبب نمی‌توانند در زندگی فردی و اجتماعی و در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارد آن‌گونه که باید و شاید حضور داشته باشند (طغیانی، ۱۳۹۱). علاوه بر این، دانش‌آموزان از مسائل اقتصاد شخصی چون اشتغال و بی‌کاری، همکاری، کسب درآمد مشروع، مصرف بهینه و... (مؤلفه‌های اقتصادی سند تحول بنیادین) شناخت کافی و عمیق ندارند و نیازمند آموزش هستند؛ به نحوی که فهم مؤلفه‌های اقتصاد شخصی در

آن‌ها نهادینه شود و این پژوهش به همین منظور انجام شد.

غرض از این پژوهش بررسی میزان تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های اقتصادی اشتغال و بی‌کاری، اهمیت و ارزش کار، همکاری و تعاون در کارها، کسب درآمد مشروع، قناعت و مصرف بهینه، پرهیز از اسراف و کمک به دیگران (بخشش) بوده است. بنابراین فرض کلی آن است که برنامه فلسفه برای کودکان باعث افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های اقتصادی می‌شود. همچنین برنامه فلسفه برای کودکان باعث افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های اقتصادی اشتغال و بی‌کاری، ارزش اهمیت کار، همکاری و مشارکت، کسب درآمد مشروع، قناعت و مصرف بهینه، پرهیز از اسراف و کمک به دیگران (بخشش) می‌شود.

در این پژوهش آزمودنی‌ها نوجوانان بودند. طبق تعریف «یونسکو» افراد زیر ۱۸ سال کودک نامیده می‌شوند. از سوی دیگر برنامه فلسفه برای کودکان برای همه سطوح آموزشی و نیز سنین مختلف از کودکی تا جوانی قابل اجراست. بنابراین از این پس در این پژوهش، این برنامه با عنوان برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان نامیده می‌شود.

■ روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کمی و کیفی) است. پژوهش در بخش کمی با استفاده از روش نیمه‌آزمایشی^{۱۴} سبا بهره‌گیری از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون روی دو گروه آزمایش و گواه انجام شد. در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای میرینگ، شیوه مقوله‌بندی قیاسی و ابزار مصاحبه استفاده به عمل آمد. بدین معنی که ببینیم، نتایج به دست آمده از رویکرد کمی، حاصل شناخت و تغییر نگرش دانش‌آموزان بوده و یا اینکه به صورت اتفاقی به دست آمده است.

جامعه آماری این پژوهش همه دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه آموزش و پرورش شهر بهنمیر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود که مجموعاً ۱۰۷ نفر بودند. حجم نمونه در پژوهش کمی ۶۰ نفر (گروه آزمایش و کنترل) و در پژوهش کیفی ۲۰ نفر است که از میان آزمودنی‌های گروه آزمایش انتخاب شدند. در این پژوهش برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره گرفته شد.

به دلیل فقدان پرسش‌نامه استاندارد، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا با مطالعه هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی سند «مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی»، هفت مؤلفه اشتغال و بی‌کاری، ارزش و اهمیت کار، همکاری و مشارکت در کارها، کسب درآمد مشروع، قناعت و مصرف بهینه، پرهیز از اسراف و کمک به دیگران (بخشش) به دلیل اهمیتی که در زندگی روزمره و اقتصادی دانش‌آموزان

داشتند، انتخاب شدند و پرسش‌نامه بر این اساس طراحی شد. روایی محتوای آن با استفاده از نظرات شش نفر از استادان گروه علوم تربیتی بررسی و تأیید شد. در پایان نیز از بین ۸۵ گویه مرتب با مؤلفه‌های اقتصادی موردنظر پژوهش، ۳۷ گویه در ارتباط با ۷ مؤلفه انتخاب شدند. اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ $0/808$ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ بیانگر پایایی قابل قبول برای ابزار پژوهش است. در پژوهش کیفی از مصاحبه استفاده شد که برگرفته از گویه‌های پرسش‌نامه بود و روایی آن نیز با استفاده از نظرات متخصصان بررسی و تأیید شد.

در بخش کمی، پژوهش روی ۶۰ نفر از دانش‌آموزان دختر منطقه آموزش و پرورش شهر بهنمیر انجام گرفت. این تعداد به دو گروه گواه و آزمایش تقسیم شدند که هر گروه شامل ۳۰ نفر بود. در مرحله اجرای پیش‌آزمون، پرسش‌نامه محقق ساخته برای هر دو گروه اجرا شد. سپس برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در حلقه‌های کندوکاو بر روی گروه آزمایش هفته‌ای دو بار طی ۱۰ جلسه ۷۰ دقیقه‌ای اجرا شد. بسته آموزشی مورد استفاده در این پژوهش از نظر روش، برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان بود و از نظر محتوا، داستان‌های ساده‌سازی شده متون ادبیات فارسی است که مرتبط با مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصادی موردنظر پژوهش بوده است.

پس از پایان دوره آموزش در گروه آزمایش، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد و برای تجزیه و تحلیل، نمره‌گذاری شد. در بخش کیفی از روش مصاحبه نیمه سازمان یافته استفاده شد. مصاحبه‌ها با ۲۰ دانش‌آموز از گروه آزمایش به صورت مجزا انجام گرفتند و پاسخ مصاحبه‌شوندگان طبقه‌بندی و ثبت شد. در بخش کمی، پس از نمره‌گذاری دانش‌آموزان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون F برای دو گروه مستقل و تحلیل کوواریانس) داده‌های گردآوری شده تجزیه و تحلیل شدند. در بخش دوم، برای تفسیر یافته‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی میرینگ-به شیوه مقوله‌بندی قیاسی- استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی به صورت سؤال مطرح شدند؛ سپس مقوله‌های اصلی وزیر مقوله‌ها مشخص و کدگذاری شدند و در نهایت، پس از تفکیک مقوله‌های اصلی از مقوله‌های فرعی، محتوای مصاحبه برحسب این مقوله‌های اصلی و فرعی تحلیل شد.

■ یافته‌ها

الف) یافته‌ها در پردازش کمی

یافته‌های اصلی پژوهش در قالب یک فرضیه اصلی و هفت فرضیه فرعی به شرح زیر توصیف و تفسیر شدند.

جدول ۱. نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون تربیت اقتصادی در دو گروه پژوهش

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		خرده‌مقیاس
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۱/۹۰	۱۵/۸۷	۲/۰۰	۱۶/۲۰	۱/۵۰	۲۳/۵۰	۲/۱۹	۱۵/۸۷	اشتغال و بی‌کاری
۲/۱۷	۱۶/۶۳	۲/۲۴	۱۶/۵۳	۱/۵۶	۲۳/۳۷	۲/۴۴	۱۶/۹۰	ارزش و اهمیت کارکردن
۱/۴۷	۱۶/۲۳	۱/۴۵	۱۶/۰۳	۰/۷۳	۲۴/۴۷	۲/۱۱	۱۶/۲۷	همکاری در کارها و تعاون
۲/۸۱	۱۶/۹۳	۲/۷۶	۱۷/۰۰	۱/۲۷	۲۳/۶۳	۲/۸۳	۱۶/۹۷	کسب درآمد مشروع
۱/۷۸	۱۶/۰۷	۱/۷۱	۱۶/۴۰	۱/۳۵	۲۳/۵۳	۲/۱۵	۱۶/۱۷	قناعت و مصرف بهینه
۲/۰۰	۱۵/۰۷	۱/۸۱	۱۶/۳۰	۱/۵۱	۲۲/۸۳	۱/۳۲	۱۷/۲۳	پرهیز از اسراف و تبذیر
۲/۵۷	۱۵/۲۰	۲/۶۶	۱۵/۵۷	۱/۴۷	۲۳/۱۳	۲/۷۰	۱۶/۳۰	کمک به دیگران (بخشش)
۷/۸۳	۱۱۴/۱۳	۷/۴۸	۱۱۴/۴۰	۳/۲۹	۱۶۴/۴۷	۶/۷۶	۱۱۵/۷۰	نمره کل

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهند؛ میانگین نمره کل «تربیت اقتصادی» در گروه آزمایش در پس‌آزمون (۱۶۴/۴۷) نسبت به پیش از آزمون (۱۱۵/۷۰) افزایش داشته است. این افزایش در گروه گواه دیده نمی‌شود. نمره کل تربیت اقتصادی گروه گواه در پیش‌آزمون ۱۱۴/۴۰ و در پس‌آزمون ۱۱۴/۱۳ است. خرده‌مقیاس‌های آزمون تربیت اقتصادی دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد، که میانگین نمره‌های آن‌ها در خرده‌مقیاس اشتغال و بیکاری در گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۳/۵۰) نسبت به پیش‌آزمون (۱۵/۸۷) افزایش داشته است. این افزایش در گروه گواه دیده نمی‌شود. خرده‌مقیاس «ارزش و اهمیت کارکردن» نشان می‌دهد که گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۳/۳۷) نسبت به پیش‌آزمون (۱۶/۹۰) افزایش داشته است. این افزایش در گروه گواه دیده نمی‌شود. در خرده‌مقیاس «همکاری و تعاون در کارها»، گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۴/۴۷) نسبت به پیش‌آزمون (۱۶/۲۷) افزایش داشته است. این افزایش در گروه کنترل دیده نمی‌شود. در خرده‌مقیاس «آزمون کسب درآمد مشروع»، گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۳/۶۳) نسبت به پیش‌آزمون (۱۶/۹۷) افزایش داشته است. این افزایش در گروه کنترل دیده نمی‌شود. در خرده‌مقیاس «قناعت و مصرف بهینه»، گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۳/۵۳) نسبت به پیش‌آزمون (۱۶/۱۷) افزایش داشته است. این افزایش نیز در گروه کنترل دیده نمی‌شود. در خرده‌مقیاس «پرهیز از اسراف» گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۲/۸۳) نسبت به پیش از آزمون (۱۷/۲۳) افزایش داشته است. این افزایش در گروه کنترل دیده نمی‌شود. در خرده‌مقیاس «کمک به دیگران» (بخشش)، گروه آزمایش در پس‌آزمون (۲۳/۱۳) نسبت

به پیش از آزمون (۱۶/۳۰) افزایش داشته است. این افزایش در گروه کنترل دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی سند «مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» تأثیر داشته است. پس فرض کلی تأیید می‌شود. به این معنا که برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان باعث افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی می‌شود.

با توجه به میانگین نمره‌های آزمون هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی در دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۱، عملکرد گروه‌ها در قالب پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از تحلیل کوواریانس سنجیده شد. برای سنجش نرمال بودن گروه‌ها که یکی از پیش‌فرض‌های انجام تحلیل کوواریانس است، از «آزمون کلموگروف-اسمیرنوف» (K-S) استفاده شد. همچنین همگنی واریانسی به وسیله آزمون لوین بررسی شد.

جدول ۲. بررسی نرمالیتت تربیت اقتصادی با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (k-s)

مقدار احتمال	Z	متغیر	
۰/۳۴	۰/۸۸	اشتغال و بی‌کاری	پیش آزمون
۰/۲۳	۰/۹۴	ارزش و اهمیت کارکردن	
۰/۳۶	۰/۸۰	همکاری در کارها و تعاون	
۰/۲۲	۰/۹۴	کسب درآمد مشروع	
۰/۲۰	۰/۹۶	قناعت و مصرف بهینه	
۰/۳۷	۰/۸۸	پرهیز از اسراف و تبذیر	
۰/۴۹	۰/۷۷	کمک به دیگران (بخشش)	
۰/۵۱	۰/۶۹	نمره کل	
۰/۳۵	۰/۸۳	اشتغال و بی‌کاری	پس آزمون
۰/۴۱	۰/۷۹	ارزش و اهمیت کارکردن	
۰/۵۰	۰/۶۱	همکاری در کارها و تعاون	
۰/۵۱	۰/۶۵	کسب درآمد مشروع	
۰/۳۲	۰/۸۶	قناعت و مصرف بهینه	
۰/۳۴	۰/۸۲	پرهیز از اسراف و تبذیر	
۰/۳۰	۰/۸۹	کمک به دیگران (بخشش)	
۰/۵۵	۰/۶۷	نمره کل	

نمره‌های مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهند که توزیع نمره‌های تربیت اقتصادی و خرده‌مقیاس‌های آن نرمال است. لذا با توجه به اینکه توزیع متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نرمال بوده و مقیاس اندازه‌گیری متغیرها فاصله‌ای است، از «آزمون پارامتریک تحلیل کوواریانس» برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

جدول ۳. آزمون F لوین برای برابری واریانس‌های نمره‌های تربیت اقتصادی و زیرمقیاس‌ها

متغیرها	F	df1	df2	Sig
تربیت اقتصادی	۶/۸۶	۵۴	۵	۰/۲۲

جدول ۳ میزان F لوین برای برابری واریانس‌های متغیرهای پژوهش را در پس‌آزمون در گروه آزمایش و گواه نشان می‌دهد که این مقدار در بین گروه‌ها معنادار نیست.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس تک‌متغیری نمره‌های پس‌آزمون نمره تربیت اقتصادی با برنامه آموزش فلسفه با نمره‌های هم‌پراش پیش‌آزمون

منبع	SS	df	MS	F	Sig	η^2
پیش‌آزمون	۶۴/۸۵	۱	۶۴/۸۵	۰/۲۶	۰/۶۵	۰/۰۰۲
برنامه آموزش فلسفه	۸۳۹/۵۰	۱	۸۳۹/۵۰	۱۰۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۶۵
خطا	۳۶۹/۰۰	۵۷	۷۳/۸۰			
کل	۱۱۳۲۵۹/۰۰	۶۰				

* $p < ۰/۰۰۱$

چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، F محاسبه‌شده برای اثر پیش‌آزمون (۰/۲۶) از لحاظ آماری معنادار نیست. به بیان دیگر، نمره‌های پس‌آزمون تحت تأثیر نمره‌های پیش‌آزمون قرار نگرفته‌اند. اما اثر برنامه آموزش فلسفه ($F = ۱۰۰/۳۲, p < ۰/۰۰۱$) پس از تعدیل میانگین‌های دو گروه بر اساس نمره پیش‌آزمون، از لحاظ آماری معنادار است.

ملاحظه میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد که نمره آزمودنی‌های گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان باعث افزایش مهارت شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی شده است. مقدار «مجذور اتا» نیز نشان می‌دهد که حدود ۶۵ درصد واریانس مؤلفه‌های تربیت اقتصادی، از طریق برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان تبیین می‌شود.

نتایج بررسی فرضیه‌ها: به‌منظور بررسی اثر برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان بر افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی (اشتغال و بی‌کاری، ارزش اهمیت کار،

همکاری و تعاون، کسب درآمد مشروع، قناعت و مصرف بهینه، پرهیز از اسراف، کمک به دیگران و بخشش)، از «روش تحلیل کوواریانس مانکوا (MANCOVA) چندمتغیری» به دلایل زیر استفاده شد:

۱. بیش از یک متغیر وابسته را مورد بررسی قرار می‌دهد.
۲. این روش درصدد کنترل اثر پیش‌آزمون بر نمره‌های پس‌آزمون است.

به این منظور نمره کل پیش‌آزمون برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان به‌عنوان متغیر کمی (هم پراش) در نظر گرفته شد.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس چندمتغیری نمره‌های پس‌آزمون مؤلفه‌های تربیت اقتصادی با آموزش و نمره‌های هم‌پراش پیش‌آزمون

منبع	خرده‌مقیاس‌ها	SS	df	MS	F	sig	2η
پیش‌آزمون	اشتغال و بی‌کاری	۱۰/۸۸	۱	۱۰/۸۸	۰/۴۱	۰/۴۶	۰/۰۱
	ارزش و اهمیت کارکردن	۸/۱۸	۱	۸/۱۸	۰/۸۱	۰/۵۲	۰/۰۰۹
	همکاری در کارها	۲۳/۴۵	۱	۲۳/۴۵	۰/۷۲	۰/۲۲	۰/۰۰۲
	کسب درآمد مشروع	۴۳/۶۳	۱	۴۳/۶۳	۰/۴۹	۰/۳۹	۰/۰۲
	قناعت	۱۲/۷۶	۱	۱۲/۷۶	۰/۵۳	۰/۴۷	۰/۰۱
	پرهیز از اسراف	۵/۹۸	۱	۵/۹۸	۰/۲۳	۰/۶۳	۰/۰۰۹
	بخشش	۸/۱۱	۱	۸/۱۱	۰/۶۱	۰/۴۴	۰/۰۲
برنامه آموزش فلسفه	اشتغال و بی‌کاری	۴۴۶۲/۵۰	۱	۴۴۶۲/۵۰	۱۵۹/۲۲*	۰/۰۰۰	۰/۸۴
	ارزش و اهمیت کارکردن	۱۸۲۳/۵۵۹	۱	۱۸۲۳/۵۵۹	۴۰/۲۳*	۰/۰۰۰	۰/۷۶
	همکاری در کارها	۲۵۲۶/۴۷	۱	۲۵۲۶/۴۷	۶۱/۴۱*	۰/۰۰۰	۰/۶۸
	کسب درآمد مشروع	۳۵۰۰/۷۳	۱	۳۵۰۰/۷۳	۴۸/۰۵*	۰/۰۰۰	۰/۶۴
	قناعت	۳۴۴۱/۷۷	۱	۳۴۴۱/۷۷	۱۴۲/۶۹*	۰/۰۰۰	۰/۷۷
	پرهیز از اسراف	۲۲۲۷/۶۹	۱	۲۲۲۷/۶۹	۸۸/۲۲*	۰/۰۰۰	۰/۷۹
	بخشش	۶۴۴/۲۴	۱	۶۴۴/۲۴	۴۸/۶۷*	۰/۰۰۰	۰/۸۱
فک	اشتغال و بی‌کاری	۸۸۴/۱۰	۵۷	۲۴/۴۰			
	ارزش و اهمیت کارکردن	۶۶۵/۵۰	۵۷	۲۱/۲۳			
	همکاری در کارها	۸۸۷/۶۰	۵۷	۲۲/۶۷			
	کسب درآمد مشروع	۳۴۹/۱۰	۵۷	۱۲/۵۰			
	قناعت	۶۴۶/۷	۲۷	۲۳/۹۵			
	پرهیز از اسراف	۶۸۱/۷۵	۲۷	۲۵/۲۵			
	بخشش	۳۵۷/۳۵	۲۷	۱۳/۲۳			

چنان‌که در جدول ۵ دیده می‌شود، F محاسبه‌شده برای برنامه «آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان» بر همه مؤلفه‌های تربیت اقتصادی تأثیر داشته است. با توجه به میانگین دو گروه جدول ۱ گروه آزمایش در تمامی هفت مؤلفه تربیت اقتصادی میانگین بیشتری نسبت به گروه گواه به دست آورده‌اند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان باعث افزایش مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان در مؤلفه‌های هدف‌های ساحت تربیت اقتصادی بوده است. همچنین مشاهده می‌شود که F محاسبه‌شده برای اثر پیش‌آزمون بر مؤلفه‌های تربیت اقتصادی از لحاظ آماری معنادار نیست. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات ایجادشده در نمره‌های پس‌آزمون گروه آزمایش تحت تأثیر نمره‌های پیش‌آزمون قرار نگرفته است. مقادیر مجذور اتا نیز نشان می‌دهند که برنامه آموزش فلسفه، ۸۴ درصد اشتغال و بی‌کاری، ۷۶ درصد ارزش و اهمیت کار، ۶۸ درصد همکاری در کارها و تعاون، ۶۴ درصد کسب درآمد مشروع، ۷۷ درصد قناعت و مصرف بهینه، ۷۹ درصد پرهیز از اسراف و ۸۱ درصد کمک به دیگران (بخشش) را تبیین می‌کند.

ب) یافته‌ها در پردازش کیفی

در این بخش، پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان با توجه به میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی آن‌ها مقوله‌بندی و کدگذاری شدند. برای تأیید و اثبات فرضیه‌ها با گروه آزمایش مصاحبه شد و پاسخ مصاحبه‌شوندگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان دادند که برنامه فلسفه برای کودکان به افزایش مهارت‌های شناختی در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی، شامل اشتغال و بی‌کاری، ارزش و اهمیت کار، همکاری و تعاون، کسب درآمد مشروع، قناعت، پرهیز از اسراف و کمک به دیگران (بخشش) منجر شده است. بنابراین، فرضیه‌های پژوهش که بر اساس آمار توصیفی و استنباطی تأیید شده بودند، در بخش کیفی پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفتند. هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان در مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در جدول‌های ۶ (اشتغال و بی‌کاری)، ۷ (ارزش و اهمیت کار)، ۸ (همکاری و تعاون در کارها)، ۹ (کسب درآمد مشروع یا روزی حلال)، ۱۰ (قناعت)، ۱۱ (پرهیز از اسراف) و ۱۲ (کمک به دیگران) نشان داده شده است.

جدول ۶. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان - اشتغال و بی‌کاری

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	همپوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
اشتغال و بی‌کاری	جایگاه شغل	۱۹٪۹۵	-	۱٪۵	اکثریت اظهار داشتند: شغل دارای جایگاهی بالاست. منبع کسب درآمد و تأمین‌کننده نیازهای فرد، خانواده و جامعه است. جامعه به انواع شغل‌ها نیاز دارد. معیار اهمیت شغل آن است که خلاف قانون نباشد و به جامعه و اقتصاد کشور صدمه نزند.
	چه فعالیتی؟	۲۰٪۱۰۰	-	-	اکثریت معتقد بودند: تلاش و کوششی که به کسب درآمد و تأمین مخارج زندگی منجر می‌شود، فعالیت بدنی و فکری برای تولید کالا و کسب درآمد، خدمت به مردم و جامعه.
	دست‌فروشی و مسافرت‌کشی به‌عنوان شغل	۱۹٪۹۵	-	۱٪۵	اکثریت معتقد بودند: هم فعالیت است و هم منبع درآمد انسان. هر شغلی که خلاف قانون نباشد، قابل احترام و مورد نیاز جامعه است. در صورت نداشتن کار ثابت، دست‌فروشی و مسافرت‌کشی از شغل‌های خلاف قانون بهتر است.
	فروش کالای قاچاق شغل محسوب می‌شود؟	۱۹٪۹۵	-	۱٪۵	اکثریت معتقد بودند: کاری که خلاف قانون و نامشروع است، به اقتصاد کشور صدمه می‌زند، مجازات در پی دارد، باعث ضرر زدن به دیگران می‌شود و اختلافات خانوادگی و بی‌خامنان شدن و نیز زیان‌های مادی و جانی بسیاری به دنبال دارد.
	بی‌کاری و تنبلی و نتیجه آن برای جامعه	۱۵٪۷۵	-	۵٪۲۵	اکثریت پاسخ دادند: بی‌کاری یکی از عوامل عقب‌ماندگی، فقر و رکود اقتصادی است. شخص بی‌کار، انگیزه‌ای برای تلاش ندارد و چون در تأمین نیازهای خود ناتوان است، سربرای دیگران می‌شود و عزت‌نفس خود را از دست می‌دهد. به همین سبب زمینه گرایش به کارهای خلاف در او قوت می‌گیرد. بی‌کاری مانع پیشرفت و شکوفایی جامعه می‌شود.
	بی‌کاری و پیشرفت و شکوفایی	۱۸٪۹۰	-	۲٪۱۰	اکثریت اظهار داشتند: فرد بی‌کار سربرای دیگران است و به سمت کار خلاف می‌رود، از این‌رو؛ امنیت کشور آسیب می‌بیند. بی‌کاری باعث کاهش درآمد می‌شود. درصد کمی هم اعتقاد داشتند: افرادی کاردارند ولی چون کار را بدرستی و با مهارت انجام نمی‌دهند، باعث می‌شود که کار پیشرفت چندانی نداشته باشد.
	بی‌کاری باعث عقب‌ماندگی	۲۰٪۱۰۰	-	-	همه پاسخ دادند: با بی‌کاری اقتصاد کشور به هم می‌خورد. اگر تلاش و کوشش نباشد، پیشرفتی هم در کار نیست. پیشرفت نکردن به عقب‌ماندگی منجر می‌شود. افراد به سمت کار خلاف می‌روند، کشور به ورطه رکود می‌افتد، فقر بیشتر و تولید کمتر می‌شود.
	علت بی‌کاری	۱۵٪۷۵	-	۵٪۲۵	اکثریت پاسخ دادند: علل بی‌کاری، زیاده‌خواهی فرد و قبول نکردن هر کاری، نبود کار مناسب برای افراد متخصص، حمایت نکردن دولت و نیاز نداشتن بازار کار به جذب افراد جدید است. درصد کمی هم جواب دادند: تا فرد مهارتی نداشته باشد، نمی‌تواند شغلی داشته باشد.
	درک نکردن لذت رشد و پیشرفت جامعه	۲۰٪۱۰۰	-	-	همه اظهار داشتند: فرد بی‌کار درکی از زندگی ندارد و به‌مرور افسرده می‌شود. بنابراین لذت رشد و پیشرفت کشور را درک نمی‌کند. پیشرفت کشور بر اساس تلاش تحقق می‌یابد؛ از این‌رو، کسی که در آن سهم نباشد درکی از نتیجه تلاش ندارد، با بی‌کاری رشد و پیشرفتی وجود ندارد. اگر فرد شغلی نداشته باشد، ناامید است و نسبت به جامعه و کشور بی‌تفاوت می‌شود و دیگر چیزی برای او مهم نیست.
	میانگین	۹۱/۶۶٪	-	۸/۳۴٪	

جدول ۷. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان - ارزش و اهمیت کار کردن

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	هم‌پوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
ارزش و اهمیت کار کردن	علاقه شغلی	۱۵ ٪۷۵	۵ ٪۲۵	-	اکثریت بیان کردند: معلمی شغل انبیا، کار نیمه‌وقت مناسب برای خانم‌ها، دارای هیجان و تنوع شغل، دفاع از حق دیگران، دارای حفاظت و امنیت شغلی و کمک به نیازمندان است.
	کار را تمام نکردن	۱۳ ٪۶۵	-	۷ ٪۳۵	۶ نفر عنوان کردند: تا حالا برای آن‌ها پیش نیامده است. ۷ نفر عنوان کردند: در هر شرایطی کار را تمام می‌کنند و بعد به سراغ کار دیگر می‌روند. بقیه، با دلایل خاص خود، کار را رها می‌کنند. مانند کاری را که دوست ندارم تا آخر ادامه نمی‌دهم.
	کار سخت	۱۷ ٪۸۵	۱ ٪۵	۲ ٪۱۰	اکثریت عنوان کردند: با سعی و تلاش، کمک گرفتن از دیگران، علاقه به کار و توکل به خدا آن را ادامه می‌دهند. ۲ نفر عنوان کردند: ادامه نمی‌دهند. ۱ نفر هم عنوان کرد: بستگی دارد به اینکه علاقه داشته باشم یا نه.
	علت انتخاب شغل	۱۸ ٪۹۰	-	۲ ٪۱۰	گروهی اظهار داشتند: جایگاه شغلی، استعداد، شرایط خانوادگی، محیط زندگی، علاقه، درآمد خوب و مشروع علت‌های انتخاب شغل هستند. تعدادی می‌گفتند: با جدیت و تلاش درس می‌خوانند و شغلیشان را بر اساس رشته‌ای که قبول شده‌اند، انتخاب می‌کنند.
	ارزش شغل	۲۰ ٪۱۰۰	-	-	همه گفتند: تأمین‌کننده نیاز خود و خانواده، روزی حلال، خدمت به مردم، رضای خداوند و مردم، و خلاف قانون نبودن.
	میانگین	٪۸۳	٪۶	٪۹	

جدول ۸. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان - همکاری و تعاون در کارها

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	هم‌پوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
همکاری و تعاون در کارها	همکاری تا چه اندازه؟	۱۷ ٪۸۵	۳ ٪۱۵	-	اکثریت بیان کردند: در حد توان کمک می‌کنیم چون مسئولیت داریم. ۳ نفر هم به‌صورت مشروط جواب دادند: اگر به فرد و خانواده‌اش آسیب نرساند و در حد علم و تخصص فرد باشد همکاری صحیح است.
	ادامه ندادن همکاری	۱۸ ٪۹۰	-	۲ ٪۱۰	۵ نفر عنوان کردند: تاکنون برای آن‌ها پیش نیامده است. ۱۳ نفر هم عنوان کردند: اگر قبول کردیم که در کاری همکاری داشته باشیم، تا پایان کار ادامه می‌دهیم. ۲ نفر بیان کردند: اگر نتیجه کار مشخص نباشد و یا طرف مقابل همکاری نکند، ادامه نمی‌دهیم.
	همکاری با چه کسانی؟	۱۷ ٪۸۵	-	۳ ٪۱۵	گروهی بیان داشتند: با دوستان و آشنایان، آنان که توان انجام کار را دارند. مسئولیت‌پذیر باشند، همکاری می‌کنیم. گروهی دیگر گفتند: هم‌رای و هم‌عقیده و سازگار با روحیات ما باشند.
	نظر دادن در کارها	۱۵ ٪۷۵	۴ ٪۲۰	۱ ٪۵	اکثریت پاسخ دادند: فرقی ندارد که چه مسئولیتی دارند و در چه جایگاهی قرار دارند، بلکه مهم کار گروهی و موفقیت و پیشرفت در کار موردنظر است.
	همکاری در چه کارهایی؟	۱۴ ٪۷۰	۲ ٪۱۰	۴ ٪۲۰	اکثریت اظهار داشتند: اگر به کاری علاقه نداشته باشیم، قبول نمی‌کنیم چون اگر علاقه نباشد انگیزه‌ای هم نخواهد بود و موفقیت و پیشرفتی در کار نخواهد بود. ۲ نفر عنوان کردند: در برخی مواقع مجبوریم کارهایی را که علاقه نداریم انجام دهیم چون از وظایف ماست.
	میانگین	٪۸۱	٪۹	٪۱۰	

جدول ۹. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان □ کسب درآمد مشروع

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	هم‌پوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
کسب درآمد از راه مشروع و قانونی (روزی حلال)	کسب درآمد	۱۷٪۸۵	۳٪۱۵	-	- اکثریت جواب دادند: کارهایی را باید انتخاب کرد که درآمد مشروع داشته باشند و کار خلاف قانون نباشند. نمی‌شود از هر راهی درآمد کسب کرد؛ مثل قاچاق، فروش مواد مخدر، دزدی و ...
	کسب درآمد مشروع	۲۰٪۱۰۰	-	-	همه توافق داشتند: درآمد باید حاصل دسترنج انسان و تلاش او باشد، از کار او راضی باشند، رعایت دستورات اسلامی، لحاظ شود. درست و قانونی باشد و حق کسی ضایع نشود.
	راه به دست آوردن درآمد مشروع	۱۶٪۸۰	۴٪۲۰	-	- اکثریت پاسخ دادند: درآمد انسان باید از خریدوفروش قانونی و مشروع به دست آید. درآمد باید حاصل تلاش و دسترنج انسان باشد و یا طبق دستورات شرعی و دینی به دست آید. ارت، هدیه یا جایزه، و برنده شدن در قرعه‌کشی‌ها هم دستاوردهای مشروع هستند که به فرد می‌رسند.
	میانگین	٪۸۸/۳۳	٪۱۱/۶۷	-	

جدول ۱۰. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان □ قناعت

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	هم‌پوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
قناعت	خرید بدون برنامه‌ریزی	۱۴٪۷۰	-	۶٪۳۰	- اکثریت گفتند: باعث مصرف‌گرایی و اسراف می‌شود. شاید بدون استفاده بماند و خراب شود. در خرید لوازم ضروری و موردنیاز باید در اولویت باشند.
	نحوه استفاده از اموال خود و دیگران	۱۵٪۷۵	-	۵٪۲۵	- اکثریت پاسخ دادند: ما در قبال اموال خود و دیگران مسئولیم تا آسیب نبینند و باعث ضرر نشود. ما به یکدیگر نیازمندیم و باید به هم کمک کنیم تا آن‌ها هم نسبت به اموال ما احساس مسئولیت کنند. - عده‌ای هم عنوان کردند: هر کسی خودش مسئول است و باید مراقب اموال خود باشد.
	خرج کردن پول توجیبی	۱۸٪۹۰	-	۲٪۱۰	- اکثریت گفتند: فرد باید برنامه‌ریزی داشته باشد و پس‌انداز کند تا در مواقع لزوم مصرف کند. او باید طبق نیاز خرج کند تا محتاج دیگران نشود. - عده‌ای هم عنوان کردند: گاهی ما چیزی نیاز داریم که مجبور می‌شویم تمام پس‌اندازمان را خرج کنیم. از چیزی که خوشمان بیاید، حتماً خریداری می‌کنیم.
	استفاده از امکانات خانواده	۱۹٪۹۵	-	۱٪۵	اکثریت پاسخ دادند: ما باید درست مصرف کنیم چون حق همه خانواده است. با زحمت و هزینه تهیه شده‌اند، پس باید از آن‌ها به خوبی مواظبت کرد تا خراب نشود و مجبور به خرید دوباره آن‌ها نشویم و خانواده مجدداً متحمل هزینه اضافی نشود.
	احساس قناعت	۱۷٪۸۵	-	۳٪۱۵	- اکثریت معتقد بودند: با قناعت کردن احساس خوب، خوشحالی، آرامش و وجدان راحت خواهیم داشت چون نیازمند دیگران نمی‌شویم. - عده‌ای هم بیان کردند: احساس خاصی نداریم.
	میانگین	٪۸۳	-	٪۱۷	

جدول ۱۱. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان □ پرهیز از اسراف

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	همپوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
پرهیز از اسراف	مکان و نوع غذا خوردن	۱۵٪	۳٪	۲٪	اکثریت معتقد بودند: غذای سالم و بهداشتی مهم است و سلامتی مهم‌تر از هر چیزی است. ۳ نفر هم معتقد بودند: برای آن‌ها فرقی ندارد غذا از کجا تهیه می‌شود، غذا باید خوش‌مزه و سالم باشد. ۲ نفر دیگه هم بیان کردند: در رستوران‌های خوب و گران‌قیمت، غذاهای خوب و سالم و بهداشتی تهیه می‌شود.
	خرید وسایل	۱۴٪	۳٪	۳٪	اکثریت معتقد بودند: کیفیت و ماندگاری وسایل و زیبایی آن‌ها مهم است. ۳ نفر عنوان کردند: شاید کسی توان خرید آن‌ها را نداشته باشد. ۳ نفر هم عنوان کردند: بهترین و گران‌قیمت‌ترین وسایل را می‌خریم چون دلیل بر بهتر بودن جنس است و نشانه شخصیت و باکلاس بودن است.
	برگزاری مهمانی	۱۵٪	۱٪	۴٪	اکثریت معتقد بودند: غذای ساده‌تر باعث می‌شود لذت مهمانی بیشتر باشد. مهمانی به‌منظور دیدار و دور هم بودن است، نه غذای آن‌چنانی خوردن. مهم صمیمیت در مهمانی است. ۱ نفر هم عنوان کرد: چند نوع غذا بر سر سفره باشد، اما با هزینه کم که اسراف نشود. ۴ نفر هم عنوان کردند: اگر بهترین مهمانی را داشته باشیم، به کسی ضرر نمی‌زنیم.
	زیاده‌روی در بخشش	۱۵٪	-	۵٪	اکثریت معتقد بودند: باعث ضرر و صدمه به خود فرد می‌شود. امکان دارد آن‌ها سوءاستفاده کنند. زیاده‌روی در هر کاری نادرست است. عده‌ای هم عنوان کردند: اگر نیازمند واقعی باشد و ما نیز توان بخشش داشته باشیم این کار را انجام می‌دهیم، زیرا ثوابش بیشتر است.
	میانگین	۷۳٪	۸٪	۱۷٪	

جدول ۱۲. میزان هم‌خوانی و هم‌پوشانی پاسخ مصاحبه‌شوندگان، کمک به دیگران

مقوله اصلی یا محوری	مقوله فرعی	همپوشانی	تفاوت‌های جزئی	تفاوت‌های فراوان	توضیحات / نمونه مصاحبه
کمک به دیگران	کمک به دیگران	۱۸٪	-	۲٪	اکثریت پاسخ دادند: در حد توان کمک می‌کنند، چون بنی آدم اعضای یکدیگرند. شاید ما هم روزی نیازمند شویم. احساس مسئولیت در برابر هم، دلسوزی و درک موقعیت آن‌ها از جمله دلایل کمک به دیگران بود. درصد کمی هم عنوان کردند: بستگی دارد که مشکل برای چه کسی باشد، زیرا ما به هر کسی کمک نمی‌کنیم.
	کمک به دیگران تا چه اندازه	۱۳٪	۱٪	۶٪	اکثریت پاسخ دادند: در هر حال کمک می‌کنیم، چون دوست داریم، برای ثواب آن کمک کنیم و وظیفه انسانی است. امکان دارد، برای ما هم پیش بیاید. در حد وسعمان کمک می‌کنیم. ۱ نفر هم عنوان کرد: اگر طرف مقابلم آدم خوبی باشد و دوستش داشته باشم، کمک می‌کنم. ۶ نفر هم عنوان کردند: با این کمک به خودمان ضرر می‌زنیم و به مشکل برمی‌خوریم. یا اینکه: ما که درآمدی نداریم نمی‌توانیم زیاد کمک کنیم.
	علت کمک به دیگران	۱۶٪	۳٪	۱٪	اکثریت جواب دادند: به خاطر ثواب و لذت کمک کردن، خوش‌حالی دیگران، خشنودی خدا، داشتن حس خوب، حس مسئولیت‌پذیری و انسان‌دوستی. ۳ نفر هم بیان کردند: به خاطر دلسوزی و حس غرور کمک می‌کنیم.
	کمک به چه کسانی؟	۱۱٪	-	۹٪	اکثریت اظهار کردند: به همه کمک می‌کنیم چون همه انسانیم و حس کمک کردن در درونمان وجود دارد، واقعاً نیازمند کمک ماست، شاید برای ما هم پیش بیاید، دلیل کمک ما درک موقعیت فرد، وظیفه انسانی و رضای خداوند است. - تعدادی گفتند: فقط به دوستان و آشنایان کمک می‌کنیم چون مطمئن نیستیم، نمی‌توانیم به غریبه‌ها کمک کنیم.
	میانگین	۷۲٪	۵٪	۲۲٪	

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

با توجه به میانگین دو گروه آزمایش و گواه، گروه آزمایش در هفت مؤلفه تربیت اقتصادی، شامل: اشتغال و بی‌کاری، ارزش و اهمیت کار، همکاری و تعاون، کسب درآمد مشروع، قناعت و مصرف بهینه، پرهیز از اسراف و کمک به دیگران (بخشش) که به روش «آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان» انجام شده است میانگین بیشتری نسبت به گروه گواه به دست آوردند. یافته‌های این پژوهش در دو شیوه کمی و کیفی نشان داد: مشارکت دانش‌آموزان در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان بر رشد مهارت‌های شناختی آنان در ارتباط با مؤلفه‌های تربیت اقتصادی موجود در سند تحول آموزش و پرورش تأثیر دارد. به‌طور کلی، نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر و پژوهش‌های انجام‌شده قبلی در خصوص برنامه «آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان» نشان می‌دهد: به‌کارگیری برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان موجب ارتقای انگیزش بیشتر دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری می‌شود. نتایج جانبی اجرای این برنامه: افزایش روحیه کاوشگری، مشارکت و هم‌فکری گروهی بین دانش‌آموزان است. همچنین در افزایش مهارت‌های ارتباطی، همچون رعایت نظم و احترام متقابل در بحث گروهی، یادگیری روش‌های گفت‌وگو (گوش دادن فعال)، کاهش و تصحیح برخی از رفتارهای ناهنجار (تمسخر نظرات دیگران، قطع سخن دیگران)، افزایش سعه صدر، توانایی ارزیابی، قضاوت صحیح و پرهیز از پیش‌داوری عجولانه، تفکر قبل از سخن گفتن، پرسش‌گری و پاسخ دادن هدایت‌شده، تعامل و ارتباط مطالب درسی با زندگی روزمره (مدرسه زندگی)، تفکر و لمس مشکلات واقعی و عینی، آینده‌نگری، مهارت‌های زندگی (صرفه‌جویی، پس‌انداز، برنامه‌ریزی در خرید)، افزایش حس تعهد، حس نوع‌دوستی، مسئولیت نسبت به دیگران، قدرت تمیز و مقایسه، گسترش دایره لغات و افزایش اطلاعات عمومی کمک می‌کند. طراحان و برنامه‌ریزان آموزشی و نیز معلمان باید تلاش کنند، بر مبنای رویکرد فلسفه برای کودکان و نوجوانان و با رویکرد بومی، دانش‌آموزان را با مسائل مختلف مواجه سازند به‌نحوی که آنان با نظم فکری درباره مسئله موردنظر تحقیق کنند و یافته‌های خود را توضیح دهند، آنچه را که فکر می‌کنند درست است بدون واژه و نگرانی بیان و از آن دفاع کنند. به‌طور کلی برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با رویکرد بومی بر فعال بودن یادگیرنده تأکید دارد. معلم باید با فراهم کردن فرصت‌های یادگیری، ذهن شاگرد را از وضعیت تعادل موجود خارج سازد تا دانش‌آموز خود، از راه تعادل جویی به تعادل جدید دست یابد. به‌عبارت دیگر، غایت این برنامه همان ایجاد موقعیت جدید و مبهم، طرح مسئله و مواجهه با چالش است تا از این طریق روحیه پرسش‌گری و پژوهش، و قدرت خلاقیت، ابداع و کشف در دانش‌آموز پرورش یابد. بدون شک آموزش و توسعه اقتصادی بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. توسعه آموزش

باعث توسعه اقتصادی می‌شود و توسعه اقتصادی می‌تواند در قالب برنامه‌های آموزشی اثرگذار باشد و پیشرفت جامعه را ممکن سازد. نکته مهم آن است که هر یک از دوره‌های آموزشی و نوع آموزش، اثر خاصی بر روند توسعه اقتصادی خواهد داشت، از این رو آموزش مفاهیم اقتصادی باید از زمان کودکی آغاز شود و به تدریج در آنان پرورش یابد و نهادینه شود. یکی از نهادهای مهمی که می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود «مدرسه» است. مدرسه می‌تواند با ایجاد زمینه‌های مناسب روحیه گذشت، فداکاری، بخشش، ایثار، تعاون، قناعت، پرهیز از اسراف، کمک به دیگران (بخشش) و ... را در آنان پرورش دهد. بنابراین والدین و مربیان باید کودکان را به گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند در دنیای پیچیده کنونی، در زمینه مسائل اقتصادی شخصی و نیز مسائل کلان اقتصادی در عرصه جامعه درک صحیح، قضاوت درست و رفتاری مستدل و عقلانی داشته باشند و در امور اقتصادی مشارکت فعال کنند.

● پیشنهادهای:

- در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان دانش‌آموزان دختر بودند. پیشنهاد می‌شود، پژوهشی در مورد آزمودنی‌های پسر و دختر توأماً انجام شود تا بتوان نتایج را برای هر دو جنس بررسی و با هم مقایسه کرد.
- در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان غالباً از طبقه متوسط جامعه بودند. پیشنهاد می‌شود این پژوهش برای دانش‌آموزانی که از طبقات مختلف اجتماعی-به‌ویژه متعلق به طبقه مرفه و فقیر جامعه هستند- اجرا شود.
- این برنامه برای سایر مؤلفه‌های ساحت اقتصادی سند تحول به کار گرفته شود.
- این برنامه برای تحقق هدف‌های ساحت‌های شش‌گانه سند «بنیانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» اجرا شود.

منابع

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۹۳). قصه‌های شیرین مثنوی مولوی. تهران: انتشارات پیدایش.
- پوریاتسی، روح‌الله. (۱۳۹۰). تدوین اهداف، اصول و روش‌های تربیت اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف) در قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره. (۱۳۸۲). فلسفه برای کودکان، چشم‌اندازی نظری و بررسی تجربی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی، مشهد.
- جدیری، محمدحسین. (۱۳۷۹). تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- جهانی، جعفر (۱۳۸۶). بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان، مطالعات برنامه درسی، ۱۲ (۴۲)، ۳۵-۵۶.
- حدادیان، احمد. (۱۳۸۱). بررسی روابط متقابل اقتصاد و تعلیم و تربیت، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- حیدری، حسن. (۱۳۸۰). تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- خداپنده امیری، مریم. (۱۳۹۲). تبیین آموزش فلسفه برای کودکان بر ایجاد تقویت بینش (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۷۴). بررسی جایگاه بخش آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی با توجه به مورد ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- رمضان‌پور، شیوا. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر روش اجتماع‌پژوهی آموزش فلسفه به کودکان پایه سوم ابتدایی مدرسه پسرانه کرمان بر پرورش مهارت‌های شهروندی آنان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران.
- طغیانی دولت‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۱). مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی ایرانی در تربیت اقتصادی (پایان‌نامه دکترا). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- طهماسبی سروستانی، رباعه. (۱۳۷۹). تربیت اقتصادی در نهج‌البلاغه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- عوفی، محمد (قرن ۷). جوامع الحکایات. بازیابی شده در ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ از <http://www.sarapoem.persiangu.com>
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۵). برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره ابتدایی، مجموعه مقالات ششمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی، شیراز، ۲۰-۱.
- ماهرزاده، طیبه. (۱۳۹۱). آموزش فلسفه به کودکان و جایگاه تفکر انتقادی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۲ (۲۷)، ۲۴۷-۲۱۹.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- ناجی، سعید و قاضی‌نژاد، پروانه. (۱۳۸۶). بررسی نتایج فلسفه برای کودکان بر روی مهارت‌های استدلالی و عملکردی رفتاری کودکان. مطالعات برنامه درسی، ۷ (۸۶)، ۱۲۳-۱۵۰.
- نیازی، احمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های فکری و بنیادی دانش‌آموزان پسر شهر کاشمر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، تهران.
- هدایتی، مهنوش. (۱۳۸۸). اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر بهبود روابط میان فردی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه آموزگاران. اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۴ (۳)، ۱۳۳-۱۵۷.
- هدایتی، مهنوش و ماهزاده، حامد. (۱۳۹۵). فلسفه برای کودکان و مهارت حل مسئله اجتماعی. علوم تربیتی، ۶ (۱)، ۴.
- Burke, L. A., & Williams, J. M. (2012). The impact of a thinking skills intervention on children's concepts of intelligence. *Thinking Skills and Creativity*, 7(3), 145-152.

- Cyert, R. M. (1984). Economic Education in Our Schools: A Renewed Mission. *The Journal of Economic Education*, 15(4), 261-264.
- Daniel, M. (2012). Tow Factors That Influence the Development of Critical Thinking in Children. *Child Hood & Philosophy*, 8(15), 115-142.
- Ellis, H, S. (1961). This is Economic. *American Economic Review*, 51(2), 571-578.
- Nappi, A, T., & Reha, R. K. (1987). What Every Elementary-School Teacher Should Know about Economics. *Elementary School Journal*. 78(4), 242-246.
- Perry, N. C. (1981). Analytical Thinking for Children Review of the Research. *Analytic Teaching*, 2(1), 26-28.
- Stigler, G J. (2014). The Case, if any, for Economic Literacy among Corporate Employees. *The Journal of Economic Education* , 14(3), 60-66
- Trickey, S., & Topping, K. J. (2004). 'Philosophy for children': a systematic review. *Research papers in Education*, 19(3), 365-380.

پی‌نوشت‌ها

1. Economic education
2. philosophy for children curriculum
قابل ذکر است که طبق تعریف یونسکو «کودک» به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود.
3. lipman
4. Montclair
5. Institute for the advancement of philosophy for children(IAPC)
6. Perry, N. C.
7. Trickey, S., & Topping, K. J.
8. Daniel, M.
9. Burke, L. A., & Williams, J. M.
10. Stigler
11. Cyert, R. M.
12. Nappi, A, T., & Reha, R. K.
13. Ellis, H, S.
14. Experimental